

یک موفقیت دیگر

مینا احدی در وین جایزه اول زن پیشرو سال در زمینه مطبوعات را با حمایت و انتخاب مردم اطریش بخود اختصاص داد



ما پرچم مبارزه علیه اسلام سیاسی را بلند کرده ایم

مصاحبه "ضد دین" با مینا احدی

بودم. ناشر کتابم - انتشارات هاینه - در سه هفته پیش طی تماسی من را باخبر کرد. من میدانم که چه کسی مرا کاندید کرد و اصولاً چه کسی به من رای داده است، بعداً با مراجعه به آنان - ترتیب دهندگان مراسم - وبمراجعه به سایت های اینترنتی این نشریه متوجه شدم که آنها برای دومین بار به افراد منتخب تحت نظارت و سرپرستی هیئت داوران ویژه ای که شامل شخصیت های سرشناس اجتماعی، ادبی، سیاسی و مطبوعات هستند و بر اساس رای های مردم که از طریق اینترنت در این انتخابات شرکت داشتند جوایزی را اهدا میکنند. الان مطلع شدم که ۶۰۰ نفر عضو هیئت داوران

ضد دین: با سلام و آرزوی موفقیت های بیشتر بار دیگر جهان شاهد نزدیک یکی دیگر از موفقیت های شما بود. با انتشار بیوگرافی خود موفق به گرفتن جایزه اول در زمینه "منین" شدید. ضد دین هم در این رابطه به شما تبریک میگوید. اصولاً انتخاب و کاندیداتوری شما در این رابطه چگونه بوده است؟

مینا احدی: من از این ماجرا و این انتخاب و اصولاً برگزاری چنین اعطای جایزه از جانب نشریه مادونا که میان کاندیداهای بسیار متفاوتی که یا خود و یا مردم آنها را کاندید کرده اند بیخبر

به یاد دوعا



۷ آپریل بی شک یکی دیگر از سیاهترین روزهای تاریخ بشریت است؛ یادآورد خاطره ای دردآور و غم انگیز:

سنگسار دوعا؛

یاد آورد خاطره به خاک و خون کشیدن قلب جوان و عاشق دوعا، دختری که با سنگهای کفتاران خرناسه کش برای همیشه از طپش ایستاد. دوعا تنها قربانی دیگری از میان قربانیان بالقوه - زنان و کودکان- بود که اسلام سیاسی و شریعت در طول زندگی ننگین و سراپا ضد انسانی و زن ستیزش و برای بقای خود برگزیده بود.

دوعا قربانی آن ارتجاع مذهبی شد که در آن زن نه انسان، که کالایی است متعلق به مردان. قربانی آن ارتجاعی شد که از بوق قدرت تنها با انکار و سرکوب و قتل هویت انسانی زن قادر به بقا بود.

دوعا قربانی آن خشونت شد که قربانیانش زن ها و کودکان هستند و عاملینش احکام و فرامین الهی و شریعت. قتل زنان، سنگسار عاشقان، دشمنی و عداوت با کودکان امری خانوادگی نیست. ناموس پرستی و قتل و خشونت به خاطر آن، تراژدی خانوادگی نیست؛ بلکه امری است سیاسی.

تنها با بزیر کشیدن اسلام از اریکه قدرت و با به قفس انداختن آن و جانیانش و تنها با بر پای سوسیالیسم است که می توان زنان، کودکان و جامعه را آزاد و روابطی انسانی را حاکم کرد.

سعید اصلی



بودند و از میان ۷۰۰۰ کاندید، یکصد نفر را در کاتگوری های مختلف - ۱۲ کاتگوری - انتخاب کرده اند.

بهر حال بعد از سفرم به وین در ۲ آوریل، متوجه شدم که برنامه بسیار مفصلی است. یک چیزی مثل اعطای جوایز اسکار اما در ابعاد خیلی کوچکتر. در مقابل درب ورودی انبوه خبرنگاران از رسانه‌های مختلف و استقبال آنها با دوربین و میکروفن از میهمانان و کاندیداها. یک الیت معینی از جامعه که شامل سیاستمداران، هنرمندان، گویندگان و مودراتورهای معروف تلویزیونی و نویسندگان بودند که در این مراسم دعوت شده بودند. بهر حال مراسمی خاص بود با شرکت کنندگانی خاص. البته این مراسم بصورت زنده از یکی از کانال های تلویزیونی پخش میشد. و فکر میکنم یکی از برنامه هایی بود که برای خود من هم جالب بود. در قسمت اعطای جایزه به من هیجان زیادی در سالن بود و همه از جایشان بلند شده و کف میزدند. مدام در این فکر بودم که کی مرا کاندید کرده است؟ کی به من رای داده، چون همانطور که گفتم بالخصوصه کاملاً بی اطلاع بودم؛ بهر حال چیزی بود که در آنجا داشت اتفاق می افتاد.

اینقدر در بین مردم نفوذ داشته باشید؟ سخنرانی ام گفت که دخترش هوادار جوانی از من است، ولی شخص خودش بعد از شنیدن سخنرانی من از طرفداران و موافقین سفت و سخت من شده

است و معتقد بود که انتخاب من تاثیر زیادی در پیشبرد بحث موجود، یعنی دفاع و مبارزه برای حقوق زنان در کشورهای اسلامی خواهد داشت.

ضدین: اعتمادی که مردم به مبارزه



شما بر علیه زن ستیزی اسلام و اسلام سیاسی و همچنین مبارزه علیه بربریتی که حتی در اروپا نیز شاهد آن هستیم، بر اساس انتخاب آگاهانه آنهاست. انزجار و نوری از احکام اسلامی، شریعه و شریعت و قوانین اسلامی، اسلام فویسیسم جای خود را به روآوری به اندیشه های رادیکال و سکولاریست و ارج نهادن به رهبران عملی صاحبان اندیشه های انسانی و سکولاریست داده است. نظرتان در اینمورد چیست؟

مینا احدی: توجه مردم هم از نظر من مسئله بسیار مهمی است که بدان

که خود را از کشور الجزایر معرفی کرد و او نیز در کاتگوری مدین جزو ۱۰ نفر انتخابی بود به من گفت که دختر ۱۷ ساله اش که در اطریش بزرگ شده با دوستان دیگرش شبکه ای از دوستداران من درست کرده و موفق شده اند که ۳۶۰ رای برای من جمع آوری کنند. حتی دخترش به او که مادرش بوده است رای نداده است چون کار من برای دختر او و دیگر دوستانش بسیار ارزنده و قابل تقدیر زیادی بوده است. بعد از مراسم اعطای جایزه اول به من و اتمام سخنرانی کوتاهم، خاتم نامبرده مرا در آغوش گرفته و تحت تاثیر

اشاره کردید. شما در هر پویدیوم و در هر سخنرانی و در هر جلسه ای که وارد این بحث - اسلام و اسلام سیاسی- می شوید، خوانندگان و شنوندگان بسیار زیادی را مورد خطابتان قرار میدهید. مردم با علاقه این بحث ها را خوانده و تعقیب می کنند و در مورد آنها نظر دارند. همه صاحب نظران و سیاستمداران این را میدانند و برای همین است که کتاب بیوگرافی من توسط انتشاراتی معتبر هاینه چاپ می شود. آنها میدانند که علاقه هست، علاقه وجود دارد چون نه فقط در مورد اسلام و اسلام سیاسی بحث می شود، بلکه بعنوان معضلی که مسئله مردم جهان متمدن است به آن برخورد میشود. نقش و کارکرد اسلام سیاسی در اروپا تبدیل به معضلی شده که راه حل های واقعی را میطلبد. مردم بهش فکر میکنند و در جستجوی راه حل هستند. به عینه دیده اند که ماماشات و چشم پوشی راه حل نیست.

بنظر من علت اینکه نشریه ای مثل مادونا و در این ابعاد به ما جایزه میده و یامن و مریم نمازی میان ۴۵ زن دیگر، بعنوان زنان برجسته سال معرفی و انتخاب می شویم بخاطر تشخیص مردم از ما و بدلیل پاسخ صحیح ما به این معضل است. مردم فهمیده اند که ما المنت های مهم پاسخ درست به معضل اسلام سیاسی را

جریانه‌های سکولار و موقعیت اجتماعی ای که اکس مسلم قادر به ایجاد آن شده است صحت کنید.

مینا احدی: در محدوده فعالیت هایمان در آلمان، ما چندین سال است که با سازمانهای سکولار رابطه سیاسی داریم. من همیشه با حضور در جلسه سازمانهای سکولاریست آلمانی، نظر خودم را که هیچ سازمان سکولاری در دنیا نمی تواند بدون موضع گیری در برابر اسلام سیاسی و جنبش اسلامی در اروپا و در دنیا، خودش را سکولار بداند، را اعلام کرده ام. ولی این سازمانها و نهادها تحت تاثیر تئوری نسبیست فرهنگی و فضای عمومی حاکم در اروپا، مسائل را به خارجی و داخلی تقسیم میکردند و با دلایلی از قبیل تعلق خارجیان به فرهنگ و کشور دیگری که با فرهنگ و منتالیتهت آنها فرق دارد و نباید در مسائلشان دخالت کرد و یا داشت و غیره، و همچنین تسلط جریانه‌های مثل حزب چپ و حزب سبزها، ورودشان به منطقه ممنوعه، یعنی نقد جنبش های اسلامی و اسلام سیاسی، بسیار دشوار و غیرممکن بود. ما اگر نقشی داشتیم مشخصا این بود که این سد را در بین آنان شکستیم در جلسات و نشستهایی که داشتیم، در کنفرانس سکولارها در برلین سخنرانی کردیم و گفتیم که وارد شدن آنها به این منطقه ممنوعه شرط بقای آنها است. گفتیم که در اروپا حتی ادعای سکولاریسم، بدون درگیری و پرداختن به جنبش های اسلامی و رشد اسلام سیاسی ادعای

سیاسی را می بینیم؛ جنایاتی که دو طرف مرتکب شده اند رو می بینیم. و در این رابطه ما و جنبشی که ما براه انداخته ایم و یا سازمان اکس مسلم اینقدر مورد حمله قرار میگیره. ما را حمایت کنندگان سیاست های پنتاگون معرفی می کنند و حامیان راست و اسرائیل. بنظر من این همه تنها به این دلیل است که ما جزو معهود جریانه‌های هستیم که شدیداً علیه اسلام سیاسی ایستاده ایم و این اتفاقاً اصلاً ساده نیست. ما پیش برنده یکی از مهمترین و جدی ترین سیاستها در مقابل یکی از مهمترین معضلات در این دنیای امروز هستیم و این با توجه به سیاست و موقعیت اسلام سیاسی که ترور، یکی از پاسخ و حربه آنان به هر نقدی است، درجه سختی و اهمیت کار ما را نشان میدهد. و مردم شاهد هستند و می بینند.

ضدین: شما اشاره به سیاستهای حاکم بر دولتهای غربی در رابطه با برخورد با اسلام سیاسی و توجیه آنان از جنبشهای بغایت ارتجاعی اسلامی داشتید. اینکه نول مختلف اروپایی با چشم پوشی از جنایاتی که انجام میگیره و تئوریزه کردن توجیهات خود با تئوریهایی از قبیل نسبیست فرهنگی؛ بنوعی مقدس بودن جغرافیای خودی. اما مردم نمی توانند مقابل واقعیت های زشت و غیر انسانی واکنش نشان دهند و همانطور که خونتان نیز متذکر شدید از میان سیاستهای مختلف انتخاب میکنند. میخواستم در مورد دیگر

این جنبش ارتجاعی دفاع میشود و در سطح افکار عمومی بی ضرر نشان داده میشود. این بنظر من یکی از مشکلات بسیار جدی در مبارزه با اسلام سیاسی در کشورهای اروپایی است. و در عین حال ما با سازمانهای اسلامی ای مواجه هستیم که هر نوع نقد از اسلام و اسلام سیاسی را با نفرت و خشونت پاسخ می دهند و سعی دارند که جلو دهانها را ببندند. من شخصا فکر میکنم که وقتی در مورد اسلام و اسلام سیاسی در زندگی مردم صحبت میکنیم، در مورد یکی از معضلات مهم جامعه صحبت میکنیم. من کمترین نزدیکی با کسی که این را نمی بیند و سعی در بی ضرر نشان دادن آن دارد و تلاش میکند که جنبش اسلامی را خلقی و توده ای قلمداد کرده، ولی رگ گردنش در قبال سیاستهای امپریالیستی و یا راسیستی بالا میزند و اسلام سیاسی را پشت گوش خودش مخفی میکند، ندارم.

از نظر من هم امپریالیسم و هم راسیسم اروپا، سنگسار و اعدام در ملا عام و هم سر بریدن در مال عام، همه اینها ضد انسانی هستند و بعضا هر نوع کنار آمدن با جنایت وحشیانه ای که طالبان در افغانستان و جمهوری اسلامی در ایران ایجاد کرده و میکند، یک سیاست فوق العاده راست است. در هر حال تا آنجایی که به ما برمیگردد، ما در مورد یکی از معضلات مهم دنیا صحبت میکنیم حتی تا آنجایی که به خاور میانه برمیگردد. دو قطب میلیتاریسم دولتی غرب و اسلام

داریم. وقتی آدم وارد این بحث میشه، متوجه یک بلبسوی کامل میشه که حاکم است؛ از یکطرف برخورد دولتهای اروپایی که سعی میکنند اسلام و یا هر جنبش اسلامی را با تقسیم بندی هایشان یک اسلام فائدامنتاریسم و رفرمیست را بخورد مردم بدهند. دولتهای اروپایی پذیرفته اند که اسلام سیاسی و بطور کلی مذهب در سیاست دخالت کنند و سازمانهای خودشان را داشته باشند و در زندگی مردم نقش و دخالت داشته باشند. دولتهای غربی این را بعنوان یک اصل پذیرفته اند و سعی میکنند که اسلامیهتها را الآن در سیستم ادغام کنند.

و از طرف دیگر ما مواجه هستیم با مجموعه ای از برخوردها با این معضل و یا به این پدیده؛ من فکر میکنم که مرز چپ و راست در برخورد و تبیین این پدیده کاملاً بهم خورده است و ما با سازمانهای چپی مواجه هستیم که از فرط ضدامپریالیست – ضد امریکایی – بودنشان به اسلام سیاسی آوانس میدهند. اصلاً نمی بینند که ما با یک جنبش وحشیانه طرف هستیم که جلوی دوربین سر می برد، زن را سنگسار میکند، به میلیونها زن حجاب را تحمیل کرده است و یک زندگی قرون وسطایی را می خواهد تحمیل کند. این جنبش سیاسی عقب مانده و ارتجاعی بعنوان راست برسمیت شناخته نمی شود، بلکه بنوعی به عنوان جنبشی مردمی که در اثر اعتراضات مردم به امپریالیسم شکل گرفته است، توجیه میشود. از

صدور و اجرای احکام مذهبی را با اجتماعات خود بطور گسترده لغو کنید!

درستی نیست. ما توانستیم در یک پروسه فعالیت مشترک و نقد و تبادل نظر، این مسئله را یعنی مادام که دست اندازی سازمانهای اسلامی به زندگی مردم در همین اروپا و همکاری دولتهای غربی با دولتهای اسلامی و جنبش های اسلامی مورد نقد و حمله قرار نگیرد را برای مبارزه سکولاریستی جا بیندازیم و توجه آنها را به این جهت جلب کنیم. اما اتفاق بسیار مهمی نیز را شاهد هستیم و آن در وسط گود سیاست بودن ما است؛ کسانی که از ایران، افغانستان، عراق، ترکیه هستیم، و اعلام جنگ علنی ما با دولت آلمان و سازمانهای اسلامی. ما اعلام کردیم که مسلمان نیستیم. ما یک مبارزه جدی سیاسی را در وسط گود سیاست شروع کردیم. ما به سازمانهای اسلامی که همه را در یک کیسه ریخته و به اسم مسلمان طرف معامله دولت آلمان شده اند اعلام کردیم که حق تصمیم گیری در مورد ما به نام مسلمانان ندارند.

این مبارزه و این سیاست نمی توانست از طریق سازمانهای سکولاریست آلمانی پیش بره و نمی توانست از طریق یک سازمان صرفا آتیه ایستی موفقیتی داشته باشد و جلب توجه نکند. ما روی کلمه "اکس مسلم" بارها و بارها بحث کردیم. ما کمپینی را در آلمان شروع کردیم که معطوف به جامعه آلمان بود. در سال ۱۹۷۱ زندهایی در مقابل جامعه و قوانین که مخالف سقط جنین بود، اعلام کردند که: "ما سقط جنین کرده ایم". حالا این جامعه و قوانین اش. ۲۵۰ زن در کمپینی علنی اعلام کردند که تابو را شکستند. ما هم باید کاری میکردیم. می بایست در مقابل سیاست رایج و همکاری

های دول اروپایی با اسلام سیاسی سدی ایجاد میکردیم. باید سد مدیا را میشکستیم و حرف هایمان را به گوش میلیونها انسان می رساندیم. باید در قالبی خاص، اهداف و سیاست خود را مطرح میکردیم که سکوت موجود و مسلط را با قوامی شکست. به نظر من، ما با سازمان اکس مسلم و کمپین "من دیگر مسلمان نیستم" موفق شدیم.

حالا هر چی چپ سنتی ضد امپریالیست، یا از سر ضد امپریالیستی بودندش و یا از سر حسادت میخواد بکند، بکند. هر چقدر که نوک زدنشان را به اسم این سازمان ادامه بدهند و فوکوس خودشان را به این دو کلمه - اکس مسلم - با تئوریهای هایشان عمیق تر و عمیق تر کنند، و هر چه ما را پیناکونیست و اصلا خود جورج بوش خطاب کنند، در این واقعیت که این کمپین توجه میلیونها نفر را در سراسر دنیا بخود جلب کرده و پاسخ سیاسی انسانهای بیشماری را در اقصی نقاط دنیا و در ابعادی بسیار وسیع داده است، تغییری نخواهد داد. ما با این کمپین زدیم به خال.

این کمپین نشان داد که یک جنبش واقعی علیه اسلام سیاسی وجود دارد. در اروپا و در خاور میانه و در کشورهای اسلامی زده نشان داد که ما جنبشی هستیم که از جهانشمولی حقوق انسانی دفاع میکنیم، ما جنبشی هستیم که پاسخ معضلات این قرن در رابطه با اسلام سیاسی را میدهیم، که ما پرچم مبارزه بر علیه اسلام سیاسی را بلند کرده ایم.

ما رفتار دعا خوانهای خانه نشین را که تنها به خواندن اوراد و فوت کردن به امپریالیسم را بسنده کرده اند، پیشه نکردیم. ما در وسط گود سیاست،

پرچمی که رنگ سرخ دارد و بر هیچکس هم پوشیده نیست را بلند کرده ایم. پرچمی که از انسانیت دفاع میکند. پرچمی که برای همه قابل رویت است. پرچمی که وحشت از جنبش اسلامی را در هم شکسته است.

ما بطور مشخص در آلمان مقابل سازمانهای اسلامی که واقعا غلاف کرده اند ایستاده ایم. در طول سال گذشته، توانستیم به جامعه نشان بدهیم که آنها - سازمانهای اسلامی - نماینده مردم نیستند و این را نه فقط سازمانهای اسلامی، بلکه آقای شویله وزیر المان نیز "آنها نماینده تنها درصدی هستند که عضو دارند و نه نماینده همه مردم" در مصاحبه اخیرش اذغان دارد. ما در عین حال تصویر غلطی را که افکار عمومی از مردم ایران و دیگر کشورهای باصطلاح اسلامی زده که طی سالها فعالیت مطبوعات و مدیا داشتند را عوض کردیم. باید گفت که آنها در کار خود نیز موفق بودند. هر گاه از ایران سخن میرفت، بلافاصله این تصور بود که ظاهرآ همه مردم ایران مسلمان هستند و همه در نهایت حکومت اسلامی را انتخاب کرده اند؛ که در ایران هیچ اعتراض سکولاریستی به قوانین ضد زن و احکام اسلامی وجود ندارد و یا همه زنان در ایران چادر چاقچوری هستند و اینکه مثلا حجاب امر اختیاری و آزادانه زنان است. ما این تصویر را شکستیم. نشان دادیم که یک جنبش عظیم و بسیار وسیع علیه اسلامیستها و حکومت اسلامی در تمام شئون اجتماعی وجود دارد و باید آن را دید. بنظر من این از نتایج کار ما است که نشریه آلمانی زبان و مشهور اسپینگل در همین شماره

آخر صفحات زیادی را به سنگسار و ضد انسانی بودن آن اختصاص داده است و مطرح کرده که مبارزه وجود دارد.

این عوض شدن تصویر یکی از مهمترین دستاوردهای این مبارزه است. ما بارها و بارها و با درگیریهایی زیادی توانستیم این واقعیت را گفته و جا بیندازیم که زنی که در ایران متولد شده است انسان است و اگر او را بزنند ناراحت میشه و دردش می آید؛ و اگر بزور مردی و حتی شوهرها او به رختخواب بره تحقیر میشه؛ و اگر سنگسار بشه غیر انسانی ترین شقاوت ها در موردش انجام میگیرد. ما این مطالب بدیع و واضح را باید

از طریق ارتباط بانکی زیر قادر به پرداخت کمکهای مالی خود به سازمان "اکس مسلم" هستید

Spendenkonto des ZDE
Post bank
Dortmund

BLZ: 44010046
Kontonummer: 995 756 463

IBAN: DE12 4401 0046 0995 7564 63

BIK: PBNK DEFF

آدرسهای تماس در انگلستان:

Council of Ex-Muslims of Britain

**BM Box 1919
London WC1N 3XX
UK**

در افکار عمومی توضیح میدادیم. بنظر من، ما با این کمپین تصاویر زیادی را عوض کردیم. ما در وسط گود سیاست هستیم و هماتطور که منصور حکمت میگفت "چپ مانده ایم و محبوبیت زیادی کسب کرده ایم".

کسانی که در وین به من جایزه میدهند، میدانند که من عضو حزب کمونیست کارگری هستم؛ وقتی که نشریه اسپیکل با من مصاحبه میکنه و در صفحه اول عکس کتاب من را چاپ میکنه و وقتی در لایپزیک با من مصاحبه میکنند، میدانند که عضو حزب کمونیست کارگری هستم و از من در مورد حزب ما و سیاستهای ما در ایران و خارج از ایران سؤال میکنند. از کنسپتهای ما میپرسند. همه میدانند که ما چپ ترین حزب را نمایندگی میکنیم، ولی با این وجود در جامعه آلمان فعالیت داریم و این فعالیت مقبولیت و محبوبیت زیادی ایجاد کرده است.

ضد دین: شما به فعالیتهای گسترده در اروپا اشاره کردید و همچنین تأثیر و مقبولیت آن در میان مردم. اینکه در جامعه اروپا دنیا از آنجا که علاقه هست مجبور به اختصاص دادن صفحات زیادی به جنبش ضد اسلام سیاسی و سکولار شده است. و همچنین از سیاست های قبلی دنیا و دولت های غربی که مطرح نکردن و به درجه اولی برسمیت نشناختن مبارزات مردم در کشورهای اسلامی بطور عام بر علیه قوانین و روابط اسلامی حاکم بر این جوامع و بطور خاص، مبارزات

سکولاریستی و انسانی بسیار وسیع در ایران، مثلا مبارزه بر علیه حجاب. سؤال من در این رابطه این است که چگونه میشود این مبارزات را در خارج از ایران، هر چه بیشتر برجسته کرد، کما اینکه مبارزه در ایران برای نقض این و یا آن حکم اسلامی نیست بلکه مبارزه بر سر سرنگونی رژیم اسلامی حاکم است؟

مینا احدی: فکر میکنم که این سؤال یکی از مهمترین مساله ای است که ما در خارج به آن مشغولیم. در بسیاری از جلسات و گفت و شنود هایی که با سازمانهای سکولاریست داریم همواره نقش اسلام سیاسی در منطقه خاور میانه و بخور مشخص نقش جمهوری اسلامی در جنبشهای ارتجاعی اسلامی مطرح میشود. در این رابطه باید اشاره کنم که از سی سال قبل، با شکل گیری دولتهای اسلامی و رشد سازمانهای تروریستی در منطقه و در اروپا، این بحث نیز شدیدتر شده است. میخواهم بگویم که ج ا بعنوان دولت صاحب قدرت سیاسی نقش بسیار تعیین کننده ای دارد.

پاسخ من به این مسئله این است که وقتی ما در اروپا بر علیه سازمانهای اسلامی و نقش آنها، علیه دولتهای غربی و سیاست آنها در قبال این سازمانهای اسلامی مبارزه می کنیم، در عین حال یک جنبه مبارزه ما را وصل میکنه به دولت ایران و نقش جمهوری اسلامی.

جمهوری اسلامی بر خلاف مدعیان نماینده مردم ایران نیست، بلکه قاتلین مردم است. اینها از بدو به سر کار

آمدن، تنها اعدام هزاران نفر توانسته اند به درجه ای خود را تثبیت کنند و همواره با قتل و کشتار و اعدام و سنگسار، با شلاق زدن مردم توانسته اند بر حکومت بمانند. مردم ایران هیچوقت این لباس ناجور را بر تن خود نپذیرفتند. ما باید این تصویر صحیح را که در ایران جنبش عظیم سکولاریستی وجود دارد را به اذهان مردم بدهیم. جنبش عظیم کارگران، زنان، دانشجویان و کارگران علیه جمهوری اسلامی را. من فکر می کنم که ما باید در جبهه های مختلفی پیوند مبارزات در اروپا با مبارزات مردم در ایران را ممکن کنیم. اگر بتوانیم این مهم را که اگر حکومت اسلامی در ایران توسط مردم و مبارزات آنان سرنگون بشود، و اگر در خارج از کشور ما کمک کنیم به این مبارزات، مثل همان حالتی که افریقای جنوبی را در دنیا مردم توانستند مطرود و منزوی کنند و کمک کنند به سرنگونی اش، اگر ما این حرکت را انجام دهیم در حقیقت پاسخ عملی معضلاتی را دادیم که در اروپا هم باهاش مواجه هستیم. من فکر میکنم که این مطلب - افاشای ج ا در خارج و منزوی کردن آن در مجامع بین المللی در رابطه با دفاع از مبارزات مردم ایران بر علیه رژیم اسلامی و آپارتاید - بسیار کلیدی و مهم در فعالیتی است که ما آن را به پیش می بریم. ما بطور مشخص سعی خواهیم کرد از این به بعد این ترمینولوژی را بیشتر در اذهان جا بیاندازیم، یعنی سازمان اکس مسلم سعی خواهد کرد که همین را هم بکار ببرد که اگر ما داریم علیه

سازمانهای اسلامی مبارزه می کنیم، اگر اسلام سیاسی را بعنوان یک خطر جدی و یک معضل جدی می بینیم، پس باید منشا آن یعنی ج ا را هدف دهیم و از اینطریق میشود جمعیت عظیمی را در دنیا جمع کرد. یک مطلب مهم دیگر این که ما توانسته ایم در طول چند سال گذشته در فعالیت هایمان در زمینه های مختلف نشان بدهیم که دنیا و مسایل آن به یکدیگر پیوسته است. خارج، داخل، و فقط ایران نداریم. الان مبارزات به هم وصل است. کارگر انونزی در مقابل سفارت دولت اسلامی دست به تظاهرات میزنه و یا در چین. میخواهم بگویم اعتراض به سیاستهای فاشیستی، اعتراض به آپارتاید و زن ستیزی و مبارزه برای احقاق حقوق جهانشمول انسانی محمود به یک جغرافیا نمیشه. تکنولوژی، اینترنت و ... این امکان را برابیمان فراهم آورده است و ما باید از آن استفاده کنیم.

ضد دین: ادامه مبارزه چه اشکالی می تواند داشته باشه؟

مینا احدی: در مجموع فکر می کنم که ما هنوز در اول راه هستیم. با وجود اینکه در طول فعالیتهايمان توجه های زیادی را بخود جلب کرده ایم و مطبوعات زیادی صدای ما، حرف ما را در ابعاد میلیونی منعکس کرده اند، ولی ما هنوز اول راه هستیم و می توانیم با بکار گیری مجموعه ای از ابتکارات و مجموعه ای از امکانات که الان برابیمان ایجاد شده است کارهای خیلی بزرگتری و در



قوانین و مقررات اسلام هیچ مطابقتی با حقوق و ارزشهای انسانی ندارد

ابعادی وسیع انجام دهیم بنظر من یکی از مهمترین کارهای کمپین های سیاسی مان باید این باشد که ج را حکومت آپارتاید نژادی در دنیا معرفی و مانند الگوی افریقای جنوبی آن را در سطح بین المللی به انزوای سیاسی بکشانیم. باید در راس فعالیت های سازمان اکس مسلم در کشورهای مختلف باشه که هر گونه دخالت مذهب در آموزش و پرورش و در دولت و یا هر گونه تقلای سازمان های مذهبی را در جامعه بدون پاسخ نگذارد. نه فقط ایجاد سدی در مقابل سازمانها و سیاست های مذهبی، بلکه به عقب راندن آنان باید پرداخت. از اینطریق ما نه تنها با درگیری با آنها ماهیت راست و راسیستی سیاست های آنان را افشا کرده ، بلکه مردم را با برنامه و اهداف خود آشنا تر خواهیم کرد. خواهیم توانست از "آزادی بیان" دفاع کنیم این امر بسیار مهمی است.

یکی از مسایل مهم در اروپا "آزادی بیان" است که مورد حمله سازمان های اسلامی است. مذهب را نباید نقد کرد، به مقدسات مذهبی نباید انتقاد داشت و غیره که حتی چپ سنتی ضد امپریالیست زیر پرچم چنین تزهایی قرار دارد. اگر شما آزادی بیانی را بتوانید تعریف کنید که در آن حمله به مذهب ممنوع باشد و یا اجازه نقد احکام مذهبی داده نشود، دیگر از آزادی بیان نمی تواند صحبتی باشد. در اینجا این آزادی سلاخی شده است و من فکر می کنم ما داریم در این جبهه نه فقط از آزادی بیان، بلکه از همه حقوق انسانی دفاع می کنیم.

ضد دین: شما در صحبت هایتان اشاره به نولت آپارتاید در ایران داشتید و مقایسه آن را با نولت آپارتاید جنسی در افریقای جنوبی. تبعیض در آنجا بر اساس رنگ پوست بوده که در ایران اصولاً چنین مسئله ای نیست و تبعیض بر اساس جنسیت است. تقسیم جامعه به زنان و مردان و محرومیت زنان از حقوق اجتماعی.

مینا احدی: همانطور که اشاره کردید، طبعاً دولت آپارتاید نژادی ارجح دادن نژادی بر نژاد دیگر است و در ایران بر اساس جنسیت انسانها. یعنی زن و یا مرد بودن آنها. زنان در جامعه ایران از همه حقوق انسانی خود محروم هستند و ما شاهد یک جداسازی کامل زن و مرد در آن جامعه هستیم این اتفاق در این قرن افتاده است و متأسفانه باید گفت که انگار عادی نیز شده است.

من فکر میکنم در مورد آپارتاید جنسی ای که در ایران و در کشورهای اسلامی زده علیه زنان در جریان است باید خیلی بیشتر صحبت کرد. زنها حق طلاق ندارند و حتی در مقابل قوانین ارزش کمتری از مرد را دارند. زن را بجرم داشتن سکس تا سینه در خاک میکنند و مردان با پرتاب و زدن سنگ او را زجر کش میکنند. زن، بعنوان مثال در محیط کار اجازه بلند خندیدن ندارد. زندانی ایی دائمی در سلول انفرادی متحرک، یعنی حجاب است. در این سلول حجاب اجازه چیزی را بهش نمی دهند. اجازه ندارد حتی لباس با سلیقه خود داشته باشه. می خواهند از همه چیز حذف کنند. زن

در آن جامعه، از نظر سیاسی، ایندولوژیک و اجتماعی تولد خود را در خدمت به مرد معنی می بیند و آن هم در همه ابعاد. بهترین زن، زنی است که خودش را قربانی کند و با روی گشاده این وظایف را انجام بدهد. انجام وظیفه به دستوراتی که آنها - اسلامیتها- صادر کرده اند و اگر زنی حتی کمی تخطی کند و حتی ترش رویی کند و یا نشان بدهد که از تجاوزی که در خانه بهش میشه راضی نیست، از نظر خدا و پیغمبر زن خوبی نیست و باید مورد تنبیه قرار بگیرد. زن فرمانبر و پارسا کسی است که آنها میخواهند و همه این ها تجسم سیاسی و اجتماعی اش آپارتایدی است که در آن جامعه علیه زن اعمال میشود. همانطور که گفتیم، ابعاد این آپارتاید را باید خیلی بیشتر مورد بررسی و بحث قرار داد و در عین حال این حکومت اسلامی را کنار حکومت افریقای جنوبی قرار داد. آپارتاید نژادی بوسیله مبارزات مردم افریقای جنوبی و حمایت بین المللی مردم جهان واژگون شد و این تجربه سیاسی مثبت را باید جلو چشم مردم جوامع مختلف قرار داد و گفت که ما این شانس را داریم که این حکومت اسلامی آپارتاید را در ایران، بهمان وضعیت آپارتاید نژادی در افریقا واژگون کنیم. باید این کار را کرد. این کمک بسیار بزرگی به مبارزات انسانی مردم در ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی خواهد کرد.

ضد دین: با نهایت تشکر از همکاری و مصاحبت شما و آرزوی موفقیت های بزرگ دیگر.

به ما بپیوندید

<http://www.Ex-Muslime.com/Persian/ozviat.htm>

با مراجعه به لینک بالا میتوانید آنلاین به عضویت سازمان اکس مسلم در آید

www.Ex-Muslime.de

برای ملاحظه آرشیو ضد دین

<http://www.exmuslim.net/>

به سایت بالا مراجعه کنید

به سازمان اکس مسلم کمک مالی کنید

Spendenkonto des
ZDE

Post bank Dortmund

BLZ: 44010046

Kontonummer :

995 756 463

IBAN: DE12 4401

0046 0995 7564 63

BIK : PBNK DEFF

ضد دین را بدوستان خود معرفی کنید

دو ماه فعالیت‌های مینا احدی

کتاب من از مذهب رویگردانم، نتیجه کار فشرده یکساله، نویسندگان کتاب زینا فوگت و مینا احدی است. در این کتاب زندگی یک زن بررسی میشود که در دوره دیکتاتوری پهلوی در ایران وارد مبارزه سیاسی شده و در انقلاب فعالانه شرکت میکند و سپس وارد جنگی نابرابر با مرتجعین اسلامی و حکومت فاشیستی اسلامی میشود که با مرگ و ترور و اعدام و سنگسار روی کار آمده و سرپا مانده است. این کتاب مروری است بر اوضاع سیاسی در ایران، نگاهی است به مبارزات مردم و زنان علیه حکومت اسلامی و تحلیلی است به نقش اپوزیسیون و نیروهای چپ در این مبارزات و بالاخره به نقش جنبش اسلامی در قلب اروپا و دخالت در زندگی مردم و... این کتاب پرچم یک جبهه اعتراضی در دفاع از حقوق انسانی و در نقد جریان‌ها و جنبش اسلام سیاسی در اروپا را بلند کرده است. این کتاب دو ماه و چند روز است که منتشر شده و تا همین امروز توجه‌های زیادی را بخود جلب کرده است. در اینجا نگاهی می‌اندازیم به انعکاس مطبوعاتی کتاب و فعالیت‌ها و مصاحبه‌های مینا احدی در این رابطه:

کتاب در روز ۲۷ ماه فوریه رسماً به رسانه‌های آلمانی زبان طی یک کنفرانس مطبوعاتی در برلین معرفی شد. نخست نگاهی میان‌دازیم به دعوت نامه انتشاراتی هاینه برای این کنفرانس:

دعوت نامه انتشاراتی هاینه برای معرفی کتاب:

<http://www.ex-muslime.de/de/aktuell/buchpremiere.pdf>

در "لیختن فوروم" مکانی شناخته شده در برلین این جلسه با حضور مینا احدی زینا فوگت و میشایل اشمیت سالمون برگزار شد. در این جلسه تعداد شرکت کنندگان بیش از کنجایش سالن و دور از انتظار برگزار کنندگان بود. تعدادی روی پله‌ها و سرپا ایستاده و به این سخنرانی‌ها گوش میدادند، ابتدا میکایل اشمیت سالمون در مورد پروسه نوشتن کتاب از نویسندگان سوال کرد و سپس زینا فوگت سه بخش از کتاب را خواند و در جریان این کتابخوانی مجدداً از مینا احدی سوالاتی از طرف گرداننده جلسه اشمیت سالمون میشد و در پایان مینا احدی و زینا فوگت به سوالات حاضرین پاسخ دادند.



در دو روزیکه مینا احدی در برلین بود، با رادیو مولتی کولتی برلین مصاحبه‌ای مستقیم با حضور در استودیو رادیو داشت، که روز ۲۷ فوریه پخش شد.

http://www.radiomultikulti.de/aktuelles/fruehstueck_metro/Mina_Ahadi.html

روز ۲۸ فوریه مصاحبه با روزنامه تاتس و برلینر تسایتونگ، سپس مصاحبه با رادیو "ار.ب.ب" در پتسدام، و یک مصاحبه با رادیو دوویچه وله آلمان.

رادیو "ار.ب.ب" در برلین گفتگوی مستقیم و مفصلی یک روز

بعد از معرفی کتاب با مینا احدی داشت که لینک آن چنین است:

http://www.inforadio.de/static/dyn2sta_article/168/236168_article.shtml

در اواخر ماه فوریه چندین رسانه و روزنامه آلمانی به معرفی کتاب پرداختند. از جمله ۲۴ فوریه روزنامه "ولت ام سونتاک" مطلب مفصلی در معرفی کتاب نوشت. "چرا من اسلام را طرد کرده‌ام" عنوان مطلبی بود که در این نشریه چاپ شد.

http://www.welt.de/wams_print/article1716683/Warum_ich_dem_Islam_abgeschworen_habe.html

روز ۲۵ فوریه سایت اینترنتی اشپیگل از زبان "په ر هاینریش" مطلب مفصلی در معرفی کتاب و فعالیت‌های مینا احدی تحت عنوان:

وکیل مرتدین" نوشت که در این سایت قابل دسترس است: <http://www.spiegel.de/politik/deutschland/0,1518,537610,00.html>

سایت‌ها و رسانه‌های زیادی این کتاب را معرفی کرده و بفروش می‌رسانند. از جمله سایت معروف فروش کتاب آمازون:

<http://www.amazon.de/Ich-habe-abgeschworen-Mina-Ahadi/dp/3453152883>

و مراکز کتابفروشی متعددی نظیر این سایت‌ها:

<http://www.google.de/products?hl=de&q=mina+ahadi+buch&lr=lang>

[en&um=1&ie=UTF-8](http://www.ndrinfo.de/kultur/buch-tipp/ahadi2.html)

معرفی کتاب در رسانه‌های مختلف در ماه مارس شدت گرفت. روز ۱۰ مارس رادیو "ان.د.ار." در این مورد برنامه مفصلی داشت و کتاب

را معرفی کرد. <http://www.ndrinfo.de/kultur/buch-tipp/ahadi2.html>

خبرگزاری اومانیه‌های آلمان مصاحبه‌ای با مینا احدی کرد و کتاب را معرفی کرد. <http://hpd.de/node/3926>

رادیو آلمان "نویچلند رادیو کولتور" در معرفی کتاب چنین گفت: <http://www.dradio.de/dkultur/sendungen/religionen/764053/>

و چند سایت دیگر در همین زمینه مطالبی را درج کرده‌اند از جمله آنها: <http://www.ndrinfo.de/kultur/buch-tipp/ahadi2.html>

<http://www.hagalil.com/01/de/Antisemitismus.php?itemid=2003> سایت اینترنتی روزنامه معروف و مهم دی ولت:

http://www.welt.de/wams_print/article1716683/Warum_ich_dem_Islam_abgeschworen_habe.html

سایت روزنامه سراسری دی تسایت:

<http://blog.zeit.de/joerglau/2007/02/28/wir-haben-abgeschworen-ex-muslime-stellen-sich-vor-339>

سخنرانی در روز ۱۳ مارس به مناسبت روز جهانی زن و همچنین در معرفی کتاب در ماه‌های آلمان:

<http://www.pi-news.net/2008/02/diskussion-mit-mina-ahadi-am-133-in-mannheim/>

معرفی کتاب در سایت "جردانو

برونو شتیفتونگ "

<http://www.heidi-barathieu-brun.ch/en/archives/1089>

سایت مجله مادونا در اواخر ماه مارس در معرفی کانیداتوری مینا احدی برای جایزه مطبوعات در اتریش:

<http://oe24-madonna.at/content/view/700/32/>

بخشی از فیلم و سایت در مورد جایزه مطبوعات در شهر وین - اتریش

http://www.oe24.at/zeitung/lifestyle/leading_ladies/article281164.ece

معرفی کتاب در سایت "کوواچینگ بلوگر":

<http://www.coaching-blogger.de/2008/02/28/islam-coaching-und-die-litcologne/>

سایت "اروپا نیوز"

<http://europenews.dk/de/node/7652>

معرفی کتاب در سایت‌های زیر:

http://www.cursillo.at/artikel.php?Art_ID=1680

<http://www.der-preisvergleich-er.de/information/102407525/ich-habe-abgeschworen-buecher-buch.html>
<http://astore.amazon.de/migrationnet-21/detail/3453152883>

گزارشی از جلسه معرفی کتاب در برلین که روز ۲۷ ماه فوریه ۲۰۰۸ بود در یک سایت اینترنتی:

<http://www.hagalil.com/01/de/Antisemitismus.php?itemid=2003>

مینا احدی با خبرنگار مجله اشپیگل در شهر کلن ملاقات و مصاحبه ای داشت که در سایت اینترنتی اشپیگل

به چاپ رسید و سپس از او دعوت شد که در غرفه اشپیگل در نمایشگاه بین المللی کتاب در شهر لایپزیگ سخنرانی کند.

نمایشگاه کتاب در شهر لایپزیگ و در غرفه مجله اشپیگل روز شنبه ۱۵ ماه مارس ۲۰۰۸

<http://www.spiegelgruppe.de/spiegelgruppe/home.nsf/pmwwebaktuell/468FC1110E9C48C2C1257405003E0E94>

اواسط ماه آپریل اشپیگل یک ویژه نامه در مورد اسلام در آلمان چاپ کرد که در آن به معرفی کتاب مینا احدی پرداخته و مصاحبه ای با او را

چاپ کرد. <http://www.spiegel.de/spiegelspecial/0,1518,542507,00.html>

در روز ۹ آوریل ۲۰۰۸ از تلویزیون

سراسری آلمان بخش "Frau TV" برنامه جالبی پخش کرد که توجه های زیادی را بخود جلب کرد. این برنامه در مورد انقلاب در ایران و

حکومت دیکتاتوری شاه، شکست انقلاب و قدرت گیری اسلام سیاسی و سپس از سنگسار و اعدامها و

مبارزه زنان علیه حجاب اسلامی حرف میزد و بصورت مصاحبه با احدی و با استناد به بخشهای از فیلم دوران انقلاب... که در میانه این

مستندات پرتره ای از مینا احدی و مصاحبه او پخش شد. بدلیل انتشار کتاب او نمایش این فیلم مستند که با گفته های مینا توضیح داده میشود مباحث جالبی را راه انداخت. این برنامه دو روز بعد از تلویزیون WDR تکرار شد.

http://www.wdr.de/tv/frautv/sendungsbeitraege/2008/0409/thema_2.jsp

روز ۱۰ آوریل ۲۰۰۸ مینا احدی در یک برنامه زنده در تلویزیون "SAT" مهمان بود و به سوالات مجری برنامه در مورد اسلام سیاسی و مبارزه علیه سنگسار و اعدام پاسخ داد.

در یک گفتگوی با برنامه "فرانس ۲۴"، مینا احدی و تعدادی از فعالین اکس مسلم در آلمان شرکت کردند که از این شبکه تلویزیون مصاحبه ها به زبان انگلیسی پخش شد.

مینا احدی و فعالین اکس مسلم در آلمان همچنین در ماه آوریل با بخش انترناسیونال تلویزیون نوویچه و له مصاحبه کردند که از این شبکه پخش شد.

<http://www.dw-world.de/dw/0,2142,265,00.html>

مصاحبه های فارسی

مصاحبه با تلویزیون انترناسیونال و کانال جدید که در معرفی کتاب و فعالیتهای این دوره چندین بار انجام شده است. علاوه بر آن رادیو صدای امریکا مصاحبه ای با مینا احدی در مورد انتشار کتاب او انجام داد که چندین بار از این شبکه خبری پخش شد. همچنین بدنبال گرفتن جایزه مطبوعات در اتریش، مجددا رادیو امریکا با مینا احدی در این مورد مصاحبه کرد.

مصاحبه سایت فارسی اینترنتی نوپچه و له با مینا احدی در مورد کتاب او:

<http://www.dw-world.de/dw/article/0,2144,3246926,00.html>

همچنین رادیو فردا در مورد انتشار این کتاب مصاحبه ای با مینا احدی کرد که از این رادیو پخش شد و پس از دریافت جایزه در وین نیز رادیو فردا بخش فارسی مصاحبه ای در

مورد این موضوع با مینا احدی داشت.

رادیو سپهر در شهر گوتنبرگ، رادیو همبستگی در مالمو و رادیو انترناسیونال در استکهلم نیز در مورد انتشار کتاب مصاحبه هایی با مینا احدی انجام دادند.

سخنرانی در لایپزیگ آلمان: تبلیغ جلسه سخنرانی لایپزیگ به دعوت شورای دانشجویی شهر لایپزیگ روز ۱۱ آپریل:

<http://www.linke-bueros.de/termin.php?ID=868&naviID=1>

به دعوت این دانشگاه جلسه موفق در دانشگاه لایپزیگ برگزار شد که در آن ۱۶۰ نفر حضور داشتند و بعد از مباحثات بسیار در مورد اسلام سیاسی و جنبش اعتراضی علیه آن در ایران و در دنیا، مباحثات داغی در این مورد در جلسه درگرفت.

مصاحبه با روزنامه "دی ولت" و در سایت اینترنتی دی ولت با عنوان "مذهب افیون است"

http://www.welt.de/welt_print/article1713556/Religion_macht_dumm.html

فیلم فته و مصاحبه ها در این مورد خبرگزاری اومانیتتها در آلمان:

<http://hpd.de/node/4236>

مصاحبه روز ۱۴ آوریل با رادیو و.د.ا.ر. ۳، مستقیم به مدت ۱۵ دقیقه:

<http://www.wdr.de/radio/wdr3/sendung.phtml?sendung=Resonanzen&terminid=460098&objektart=Sendung>

مصاحبه با اکسپرس:

روزنامه اکسپرس یک روزنامه

از صفحه ۸

پوبلیک در آلمان است که مصاحبه و گزارشی در مورد فعالیت‌های مینا احدی و کتاب او چاپ کرد.

نامه‌های زیادی در طول این مدت در مورد کتاب به دست ما رسیده

است که آخرین نامه را که امروز چهارشنبه ۱۶ آوریل آمده ترجمه و به اطلاع عموم میرسانیم:

ختم احدی گرامی:

من هم اکنون دارم کتاب شما را میخوانم و خیلی تحت تاثیر شجاعت و صداقت شما قرار گرفته‌ام. من در مقابل فعالیت‌ها و کوشش‌های شما سر تعظیم و احترام فرو می‌آورم، همچنین در مقابل اینکه بدلیل فعالیت‌های خونتان، محدودیت‌های فراوانی را در زندگی خونتان قبول میکنید.

من در مدرسه ابتدایی در آلمان کار میکنم. تعداد زیادی از مسلمانان در ارتباط با ما هستند. من در این دوره، دیگر شرایط و روابط "مولتی‌کولتی" را با چشم دیگری نگاه میکنم.

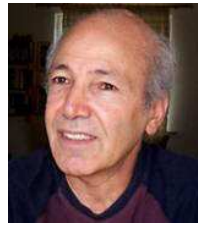
و در مورد امکاناتی فکر میکنم که در این اوضاع ما را کمک کند. من فکر میکنم ما با بی‌توجهی و اینگور کردن معضلات تحت لوای "تولرانس" و کنار آمدن با مسایل، عملاً داریم چشم خودمان را بر معضلات میندازیم.

شما در کتاب خونتان توانسته اید با دلایلی عمیق و پایه‌ای، بدون ایجاد نفرت و یا فضا سازی، و همچنین بدون هر نوع توجیهی چشم‌هایمان را باز کنید.

من از صمیم قلب برای شما آرزوی موفقیت میکنم در کارهای و فعالیت‌های آتی خونتان و همچنین در زندگی خصوصی اتان.

با درودهای صمیمانه

نینا لینده



کاتم نیکخواه

گرگندهای اسلامی و معضل بی‌حجابی

امام جمعه مشهد موجودی بنام "حجت الاسلام علم الهدی" هفته گذشته در خطبه نماز جمعه مشهد وحشت و خشم خود را از مقاومت گسترده زنان در مقابل حجاب اسلامی نشان داد. این کرگدن اسلامی (با پوزش از کرگدن و انجمن حمایت از حیوانات!! يك کلمه جدیدی باید برای این مجسمه‌های بلاهت و عقب ماندگی و تعفن ارتجاعی درست کرد. موقتاً همین را قبول کنید) به بی‌حجابی و "بدحجابی" اعلام جهاد داد و گفت باید براندازی شوند. او از جمله این طور میگوید "ما اصلاً مساله‌ای به نام بدحجابی نداریم. این که یک زنی یک لچکی بیندازد بالای سرش، این که حجاب نیست، بی‌حجابی است. این طور نیست که حجاب داشته باشد و بد باشد، بلکه بی‌حجاب است" علم الهدی اینطور ادامه میدهد: "تمام زنانی که موهایشان بیرون است و تمام زنان لابلالی که با پای برهنه تا ساق پا، پاچه شلوارشان را ورمالیده اند، بی‌حجاب محسوب می‌شوند و باید تعقیب قانونی شوند. تازه

یک مشت افراد بی‌بند و بار با رنگ‌های زننده و مهیج بیرون می‌آیند که از صد بی‌حجابی هم بدتر است." و بعد خواهان براندازی همه آنها میشود: "آقایانی که می‌گویند حجاب را باید با مسائل فرهنگی نهادینه کرد، در اصل از زیر بار مسوولیت خود شانه خالی می‌کنند. بی‌حجابی در مملکت جرم است و قانون نیز برای مقابله با آن وجود دارد. دولت مکتبی جناب آقای احمدی نژاد در دو سال گذشته مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی را به شکل قانون درآورده است. بنابراین، بی‌حجابی یک ناهنجاری است که باید با قدرت براندازی شود و دستگاه‌های دولتی آن را با اقتدار براندازی کنند".

همیشه‌کنه حرف حکومت اسلامی را آخوندهایی از قبیل همین "کودن الهدی" و ملاحسنی و خزعلی‌رگ و صریح بیان میکنند. اولاً این کلمه "بدحجابی" را مقامات حکومت اسلامی ابداع کردند تا يك درجه عقب نشینی خود در مقابل زنانی که حجاب اسلامی را رعایت نمیکنند را لاپوشانی کنند. همه سران ریزودرشت حکومت میدانند که زنان در ایران زیر بار حجاب اسلامی و قوانین اسلامی نرفته اند. اما اگر مثل این آخوند مشهدی اعتراف کنند که میلیون‌ها زن در ایران "بی‌حجاب" هستند در واقع اعتراف کرده اند که کلاه حکومت اسلامی شان پس معرکه است و در تحمیل قوانین اسلامی شکست

خورده اند. ثانیاً اینکه زنان بی‌حجاب باید "براندازی" شوند نیز کنه تمایل و گرایش کل دم و دستگاه جمهوری اسلامی است. همین دولت احمدی نژاد را با يك مشت جلد حرفه‌ای نظیر "پورمحمدی" و "اژه‌ای" و "شریعت‌مداری" و امثال اینها سرکار کشیدند که به جامعه یعنی همه زنان و مردم منجر از حکومت و قوانین اسلامی هجوم بی‌اورند و نسل‌کشی‌هایی مثل سال ۶۰ و ۶۷ را تکرار کنند اما نتوانستند. در نتیجه آنها که مستقیماً دست اندرکارند فهمیده اند و حتماً به نحو مناسبی به این کرگدن مشهدی هم حالی خواهند کرد که حرف دهانش را بفهمد و کوتاه بیاید و گرنه وارد جنگی تمام عیار با مردم خواهند شد که اولین نتیجه اش خفه کردن صدای ناهنجار همه این فسیلهای از گور برخاسته تاریخ خواهد بود. بهررو باید به این یارو فهماند که روزی که زنان همه‌نه "بدحجاب" بلکه آشکارا به مفهوم دقیق کلمه بی‌حجاب بیرون بیایند یعنی حجاب‌های اسلامی را دور بیندازند و مردم ایران همه جنایتکاران مرتجعی را که یکه‌تاز میدان شده اند و شب و روز دارند به آنها توهین میکنند را به محاکمه بکشند دور نیست.



جبهه سوم



بیانیه جبهه سوم در برابر

میلیتاریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی

کشمکش که بین دول غرب و جمهوری اسلامی در جریان است میتواند از نظر انسانی، سیاسی و اجتماعی عواقب فاجعه باری داشته باشد. تجربه تلخ عراق مصائب ناشی از تحریم اقتصادی و حمله نظامی را در برابر چشم همگان قرار داده است. سخت تر شدن شرایط زندگی و فلاکت اقتصادی، کشتار و خانه خرابی مردم، و گسترش سرکوب مردم توسط جمهوری اسلامی گوشه هائی از نتایج بلافصل تحریم اقتصادی و یا حمله نظامی به ایران است. این سیاست در سطح منطقه نیز موجب افسار گسیختگی تروریسم اسلامی و در سطح بین المللی موجب گسترش ابعاد تروریسم خواهد شد.

باید با تمام قوا در مقابل قدری آمریکا و متحدینش ایستاد، باید به جنایات قطب مقابل یعنی تروریسم اسلامی پایان داد و به مردم کشورهای اسلامزده کمک کرد تا از شر دولتها و جریانهای تروریست اسلامی رهائی یابند. میلیتاریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی فضا را برای بشریت در سراسر جهان سیاه کرده اند. اینها هیچکدام راه حلی برای بحران حاضر و مسائلی که با خود مطرح کرده است ندارند، بلکه خود مسبب این بحران ها و تشدید و تعمیق آنها هستند. بشریت متمدن باید در مقابل هر دو قطب و مصائبی که به دنیا تحمیل کرده اند قدم علم کند. راه حل انسانی و واقعی مساله سلاح های هسته ای و تروریسم اسلامی و جنایات غیرقابل توصیفش علیه مردم جهان و قلدنمنشی های میلیتاریستی آمریکا و دول غربی در دست ما مردم است.

در این میان مبارزات مردم ایران برای رهائی و آزادی نقش برجسته و تعیین کننده ای ایفا میکند. در ایران سالهاست یک جنبش اجتماعی وسیع علیه حکومت اسلامی و برای رسیدن به آزادی و برابری در جریان است. پیروزی این جنبش بر جمهوری اسلامی یک ضربه تعیین کننده به اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در سراسر جهان و همچنین پاسخ موثر و تعیین کننده ای به دخالتگرهای سیاسی؟ نظامی آمریکا برای تغییر حکومت و با صطلاح "صدر دموکراسی" و تحمیل حکومتهای دست ساز ارتجاعی به جوامع دیگر خواهد بود. پیروزی مردم ایران یک گام بلند بجلو و نقطه عطف مهمی در مقابله با تروریسم میلیتاریستی و اسلامی و در دفاع از آزادی و تمدن و حقوق جهانشمول همه انسانها در سراسر جهان خواهد بود.

ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام میداریم:

- 1- نه به جنگ، نه به تحریم اقتصادی.
- تحریم اقتصادی و حمله نظامی به ایران از نظر انسانی، سیاسی و اجتماعی عواقب فاجعه باری خواهد داشت. آنچه در عراق اتفاق افتاد نباید در ایران تکرار شود. این تهدیدات باید فوراً متوقف شود.
- 2- نه به میلیتاریسم آمریکا، نه به اسلام سیاسی.
- جهان متمدن در کشاکش میان تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی نمایندگی نمیشود. هر دو سوی این درگیری، ارتجاعی و ضد انسانی هستند و باید به عقب رانده شوند.
- 3- خلع سلاح اتمی همه دولتها.
- نه ایران، نه آمریکا، و نه هیچ کشوردیگری نباید سلاح اتمی داشته باشد. پروژه اتمی جمهوری اسلامی باید فوراً متوقف شود اما دولتهائی که خود بزرگترین زرادخانه اتمی را دارند مراجع نصلحی برای قضاوت در مورد قدرت اتمی دیگر کشورها نیستند. مقابله با پروژه هسته ای جمهوری اسلامی امر مردم آزاده جهان و بویژه مردم ایران است. همانطور که خلع سلاح هسته ای همه کشورها و خلاصی از کلبوس اتمی که جهان معاصر را فرا گرفته است امری است که تنها با اعتراض و مبارزه مردم جهان میتواند متحقق شود.
- 4- تعرض به حقوق مدنی مردم در غرب به بهانه مقابله با تروریسم باید متوقف شود.
- دولتهای غربی به بهانه خطر تروریسم و حفظ امنیت، حقوق و آزادیهای مدنی مردم را نفی و محدود میکنند. کنترل و تحت نظر قرار دادن زندگی خصوصی شهروندان، محدود کردن آزادی بیان، آزادی رفت و آمد و نفی حقوق مهاجرین از جمله رایج ترین تعرضات دولتها به زندگی مردم است. باید با این تعرض مقابله کرد و آنرا خنثی نمود. هیچ دلیل و بهانه ای برای دست درازی به حقوق و آزادیهای مردم پذیرفتنی نیست.
- 5- از مبارزات مردم ایران علیه حمله نظامی و علیه جمهوری اسلامی فعالانه حمایت میکنیم.
- مردم ایران که 27 سال است در مقابل سرکوب، خفقان، بیحقوقی زن، آپارتاید جنسی، سنگسار، اعدام و شکنجه زندانیان سیاسی و در مقابل تحمیل فقر و محرومیت اقتصادی مبارزه میکنند، خود میخواهند و میتوانند که سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند. حمایت از مبارزات مردم ایران برای رهائی و آزادی و پیروزی آن بر جمهوری اسلامی و برقراری حکومت مستقیم خود مردم گام تعیین کننده ای در مقابله با قلدنمنشی آمریکا و ضربه قاطعی به تروریسم اسلامی در منطقه خاورمیانه و در جهان خواهد بود.
- 6- جمهوری اسلامی باید از جامعه جهانی طرد شود.
- جمهوری اسلامی ببلیل 27 سال جنایت علیه بشریت، بلیل سرکوب بیرحمته مبارزات حق طلبانه مردم ایران و اعدام بیش از صد هزار زندانی سیاسی، به دلیل حکم کردن آپارتاید جنسی در ایران، و بلیل حمایت از جریانهای تروریسم اسلامی در منطقه و گسترش تروریسم در سطح جهان باید مانند رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی از جامعه جهانی طرد شود. ما خواهان عدم برسمیت شناسی جمهوری اسلامی بعنوان نماینده مردم ایران، قطع روابط دیپلماتیک و بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی در همه کشورها و اخراج آن از نهادهای بین المللی هستیم.

ما همه سازمانها و نیروها و احزاب و شخصیتهای انساندوست، سکولار، ضد جنگ و آزادیخواه جهان را به امضای این بیانیه و پیوستن به جبهه سوم برای مقابله با هر دو قطب تروریستی فرامیخوانیم.

بیانیه را امضا کنید

<http://farsi.thirdcamp.com/farsimanifest.php#ign>